



فرهاد پناهی

## تغییرات اساسنامه‌ی جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران و سیاست «یک بام و دو هوا»

در پی چندین ماه بحث و اختلاف نظر سرانجام هیأت وزیران در جلسه‌ی ۲۴ اردیبهشت‌ماه سال جاری خود پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارایی در خصوص اصلاح اساسنامه‌ی جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران را به تصویب رساند. در ماه‌های منتهی به تاریخ فوق طی مکاتبات گسترده با وزارت امور اقتصادی و نهادهای ذی‌ربط و نیز طی جلسات حضوری، دیدگاه‌های جامعه در خصوص این «اصلاحات» به اطلاع مراجع یادشده و حسب مورد به اطلاع اعضای جامعه رسانده شده است. در شماره‌ی کنونی نشریه‌ی «حسابدار رسمی» نیز دیدگاه جمعی از صاحب‌نظران در خصوص اصلاحات اخیر اساسنامه درج شده و در یادداشت حاضر قصد نداریم بازهم این دیدگاه‌ها را تکرار کنیم.

تردیدی نیست که با گذشت زمان، آشکار شدن ضعف‌ها و ایجاد نیازهای جدید، به‌روزرسانی، اصلاح و بهینه‌سازی بسترهای مقرراتی فعالیت نهادهای حرفه‌ای فعال در عرصه‌ی اجتماعی ضروری است و جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست و اصولاً نمی‌تواند مستثنی باشد. اما نکته‌ی مورد اشاره در این یادداشت از سویی مغایرت تغییرات اخیر با مبانی نظری فعالیت کارآمد سازمان‌ها و تجربه‌ی عملی فعالیت جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران به‌عنوان نهاد حرفه‌ای حسابرسی در ایران در دو دهه‌ی اخیر و از سوی دیگر تأکید بر تفاوت نگاه حاکمیت به تشکل حرفه‌ی حسابرسی در مقایسه با دیگر تشکلهای خودانتظام است. جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران تنها تشکل خودانتظام حرفه‌ای فعال در ایران نیست. علاوه بر جامعه، به‌عنوان مثال ما شاهد فعالیت «اتحادیه‌ی سراسری کانون‌های وکلای دادگستری ایران»، «سازمان نظام مهندسی ساختمان ایران» و «سازمان نظام پزشکی ایران» نیز هستیم که هر یک به سهم خود جایگاه اثرگذاری در ساختارهای اجتماعی و حرفه‌ای دارند. تمامی این سازمان‌ها برخوردار از استقلال و شخصیت حقوقی مستقل به‌منظور تحقق بخشیدن به اهداف پیش‌بینی شده در قانون و انجام وظایف مقرر و ملزم به آیین اخلاق حرفه‌ای خود هستند.

اما در این میان از هنگام تصویب اساسنامه‌ی جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران در تاریخ ۲۸ شهریور ۱۳۷۸ تا امروز شاهد ۱۱ مورد اصلاح اساسنامه‌ی این جامعه بوده‌ایم که آخرین مورد آن در اردیبهشت‌ماه سال جاری بوده است. به عبارت دیگر، تقریباً هر دو سال یک بار تغییری گاه عمده در اساسنامه‌ی نهاد قانونی حرفه‌ی حسابرسی صورت پذیرفته است. این در حالی است که برخلاف سایر حرفه‌های یادشده در ایران، همزمان فرایند تدوین قانون جدید برای اصلاح خودانتظامی این نهاد هم در دولت و هم در مجلس شورای اسلامی در جریان است. یعنی علاوه بر تغییرات مکرر در اساسنامه بستر مقرراتی کلی آن نیز در شرف تغییرات اساسی است و این امر هم از سوی دولت و هم از سوی مجلس شورای اسلامی به صورت مستقل از یکدیگر دنبال شده است.

افزون بر این، نکته‌ی مهم دیگری که در بدو امر باید موردتوجه قرار داد این است که چنین اقدامی به لحاظ نظری مغایر با اصول راهبری و نظارتی است که مجامع حرفه‌ای بین‌المللی بر آن تأکید داشته‌اند. اصلاحات اخیر اساسنامه با انتقال بخشی از وظایف نظارتی (خودکنترلی) درون سازمان به بیرون از آن ضمن آن که با مدل‌های علمی و کارشناسی مغایرت دارد در عمل می‌تواند به کاهش نظارت جامعه بر حرفه‌ی حسابرسی بینجامد.

این تلاش برای تغییرات دایم در بستر قانونی که پی‌آمدهای خود را در ایجاد بستر متلاطم برای فعالیت ارکان جامعه خواهد داشت در شرایطی صورت پذیرفته که بیش از دو دهه فعالیت هیأت عالی نظارت حاکمی از آن است که تخلفات حرفه‌ای ناشی از تعارض منافع یا اصلاً وجود نداشته و یا کم‌اهمیت و استثنایی بوده است.

یعنی به نظر می‌رسد تغییرات اخیر اساسنامه، در شرایطی که قانون جدیدی برای تنظیم حرفه‌ی حسابداری و حسابرسی در ایران در شرف بررسی و تصویب است، نه توجیه نظری قانع‌کننده‌ای وجود دارد و نه تجربه‌ی فعالیت جامعه در دو دهه‌ی اخیر دال بر وجود شواهد محکمی برای آن است.

در عین حال، این انتقال وظایف قانونی به هیأت محترم عالی نظارت در شرایطی صورت گرفت که پیش از آن نیز این هیأت عملاً از اختیار کافی، گسترده و فاقد محدودیت برای اعمال نظارت حرفه‌ای بر ارکان جامعه برخوردار بوده است و تغییرات اخیر اساسنامه در عمل با تضعیف ساختاری کنترل‌های داخلی جامعه به کاهش اثربخشی خودانتظامی حرفه‌ای در حسابرسی می‌شود.

طبعاً مدعای بحث حاضر به هیچ عنوان نادیده گرفتن ضعف‌ها و کاستی‌ها نیست. بهینه‌سازی مستمر بسترهای قانونی نه‌تنها در مورد جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران که در مورد هر تشکل حرفه‌ای دیگر و اصولاً هر نهاد پویای اجتماعی ضروری است. اما پرسشی که مطرح می‌شود این است که چرا شاهد «استانداردهای دوگانه» و «یک بام و دو هوا» هستیم؟ چرا در مقایسه با دیگر تشکلهای خودانتظام که به آن اشاره داشتیم نگاه به حرفه‌ی حسابرسی به صورت مستمر از بدو فعالیت جامعه تا امروز همواره توأم با بدگمانی و عیب‌جویانه بوده است؟ و در نهایت این که آیا چنین نگاهی می‌تواند به برطرف‌سازی نیازهای امروز اقتصاد و جامعه‌ی ایران یاری کند؟